

## عنوان مقاله:

رویکرد هنر-علم به بحران زیست محیطی در گفتمان هنر معاصر با صورت‌بندی گفتمان فوکو

## محل انتشار:

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره 15، شماره 3 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 40

## نویسندگان:

محبوبه طاهری - پژوهشگر پسادکتری، بنیاد ملی علم ایران، تهران، ایران

عفت السادات افضل طوسی - استاد پژوهش هنر، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

## خلاصه مقاله:

مشی هنر معاصر در فتح عنوان هنر بیقاب در هنر مفهومی، بهره‌وری از انقلاب فناوری و هم‌کنشی میان مخاطب و اثر هنری، و توجه به مضامین محیط‌زیستی است. از معاصرترین شکل هنر محیطی موضوع‌گرای معاصر، اکو آرت است که در پرداختن به بحران زیست‌محیطی، آوانگاردی نوین در شیوه بازنمایی هنر ارائه می‌دهد. از سویی، تخریب محیط‌زیست فضایی مشترک برای بازنمایی تعامل گفتمانهای مختلف دانش از جمله ابعاد مختلف علم در شناخت این مهم، برای عاملین ایجاد نموده است. از این رو، تبیین تلاقی هنر-علم در هنر محیط زیستی برای درک روابط گفتمانی در هنر معاصر ضرورت انجام این پژوهش است که با مطالعه بازنمایی تعامل گفتمان هنر معاصر با علم در رویکرد انتقادی به بحران محیط زیست با صورت‌بندی گفتمان در قرائت فوکو از اپیستمه، صورت می‌پذیرد. مقاله حاضر در تلاش است با فرض سینرژی هنر-علم با عنوان سامان گفتمانی هنر محیطی معاصر در بازنمایی بحران محیط‌زیستی، صورت‌بندی گفتمانی اکو آرت مبنیبر علم را مطالعه کند. روش تحقیق اتخاذ شده در تبیین قواعد گفتمان هنر اکو با استناد به شرح اپیستمه در روش دیرینه‌شناسی در آراء فوکو است که با استناد به منابع کتابخانه‌ای صورت می‌پذیرد. نتیجه آن که هنر معاصر محیط زیستی در تعامل با نهادهای علمی با جلوه‌هایی از هنرهای تجربی، تعاملی، مشارکتی، مبتنیبر تحقیقات و روش‌های علمی، فضای گفتمان بحران زیست‌محیطی را بازتولید میکند و رابطه هنر-علم میتواند به‌عنوان نمایی از معرفت‌شناختی (اپیستمه و صورت‌بندی دانایی) در دوارن معاصر قلمداد شود.

## کلمات کلیدی:

هنر معاصر، هنر اکولوژیک، گفتمان، اپیستمه

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1830141>

